

زبان اتصال

ارتباط موثر با والدین و کودکان تحت پوشش ارگان‌های

قضایی و بهداشت روان

به کمک متد چندوجهی و خلاقانه زبان اتصال

(با استفاده از ابزارهای هنری، استعاره، تداعی، نقالی،

ضرب‌المثل و...)

نویسنده: فیروزه کاظمی

مترجم: پریوش صفایی

سرشناسه

: کاظمی، فیروزه، ۱۳۴۹-

Kazemi, Firouzeh, ۱۹۷۱-

عنوان و نام پدیدآور

: زبان اتصال/ نویسنده فیروزه کاظمی؛ مترجم پریوش صفایی؛ ویراستار میترا شیرانلی.

مشخصات نشر

: ملارد: آئی‌سا، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری

: ۱۸۱ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ سم.

شابک

: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۵۵-۲۹-۵

وضعیت فهرست

: فیا

نویسی

: عنوان اصلی: Beschermen Zonder Woorden.

یادداشت

: کتابنامه.

یادداشت

: کودکان -- روان‌درمانی

موضوع

: Child psychotherapy

موضوع

: نوجوانان -- روان‌درمانی

موضوع

: Adolescent psychotherapy

موضوع

: اوقیاط -- جنبه‌های روان‌شناسی

موضوع

: Communication -- Psychological aspects

موضوع

: روان‌درمانی خانواده

موضوع

: Family psychotherapy

موضوع

: صفائی، پریوش، ۱۳۴۶، مترجم

شناسه افزوده

: RJ۵۰۴

رده بندی کنگره

: ۶۱۸/۹۲۸۹۱۴

رده بندی دیویی

: ۷۷۴۳۸۵۸

شماره کتابشناسی ملی

: فیا

اطلاعات رکورد

کتابشناسی



aeesa.pub

aeisashop

antsharatayysa@gmail.com

زبان اتصال

نویسنده: فیروزه کاظمی

مترجم: پریوش صفایی

ویراستار علمی و کاربردی: پریوش صفایی

ویراستار: میترا شیرانلی

طراح جلد: فیروزه کاظمی

ناشر: آئی سا

چاپ و صحافی: نوبخت

تیراژ: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۵۵-۲۹-۵

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

تلفن: ۰۹۳۶۸۹۰۴۳۳۴

* فهرست

* مقدمه‌ی مترجم

* پیشگفتار

* مقدمه‌ی نویسنده

فصل ۱: برگی از کتاب زندگی فیروزه

فصل ۲: شرح متد "زبان اتصال"

فصل ۳: نظریه‌ی شکل‌دهنده‌ی متد "زبان اتصال"

فصل ۴: چه زمانی از متد "زبان اتصال" استفاده کنید؟

فصل ۵: نمونه‌های عملی

فصل ۶: تصویرسازی

فصل ۷: دست به عمل زدن

فصل ۸: تجارب مددیاران بهداشتی و قضایی

ضمیمه

فهرست کتاب‌ها و منابع اینترنتی

یادداشت‌ها

مقدمه‌ی مترجم

"فلاقیت" یعنی گشودن پلک‌های اندیشه به سمت نور مطلق:

پرواضح است که کودکان و نوجوانان از افشار آسیب‌پذیر جامعه هستند. آن‌ها در سنی هستند که هنوز ناتوانی‌های فراوان دارند و قدرت تشخیص، تجربه‌ی زندگی و استقلال کافی ندارند تا بتوانند در این دنیای آشفته، گلیم خود را از آب بیرون بکشند. به همین دلایل، صرف‌نظر از نوع و شرایط خانواده، آن‌ها از همه نظر وابسته به خانواده‌شان هستند. بنابراین بخش اعظم سلامت روان‌شان در گرو رشد و نمو در بستر خانواده‌ای سالم از نظر اخلاقی، عاطفی، روانی، رفتاری، اقتصادی و روابط بین فردی می‌باشد. مسلماً وجود پدر و مادری که مشکلات حاد و عدیده داشته باشند و یا با یکدیگر دچار اختلافات شدید باشند، نه تنها بستر مناسبی برای زندگی و رشد و تکامل فرزندان ایجاد نمی‌کند، بلکه به کارکردهای آن‌ها آسیب وارد آورده و می‌تواند به روان و گاهی حتی جسم‌شان آسیب وارد آورد.

در کشور هلند یعنی محل کار نویسنده‌ی کتاب نیز، همچون کشور ایران و در بعدی بسیار وسیع‌تر از آن، انواع و اقسام سازمان‌ها و انجمن‌ها جهت مدد رسانی و حمایت از خانواده‌هایی که دچار مشکلات حاد هستند و زنگ خطر وجود مشکل در آن‌ها به نوعی به صدا درآمده است، وجود دارند.

معمولاً عامل اصلی ورود اجباری یا داوطلبانه‌ی حامیان، درمان‌گران و مددیاران به

این گونه خانواده‌های دارای مشکل؛ اطلاع‌رسانی مدارس، پلیس، همسایه‌ها، دادرها و کلینیک‌های بهداشت روانی است. این اطلاع‌رسانی‌ها و ابراز نگرانی‌ها در مورد وضعیت نامناسب خانواده‌ی موردنظر یا اختلالات رفتاری و یادگیری فرزندان این خانواده‌ها معمولاً به طور ضمنی یا واضح، رسمی یا غیررسمی صورت می‌گیرد. در وهله‌ی نخست به این گونه خانواده‌ها جهت بهبود وضعیت‌شان، ارائه خدمات مددکاری اجتماعی، مشاوره‌ای و روان‌درمانی پیشنهاد می‌شود. اگر خانواده، پذیرای این نوع درمان داوطلبانه نباشد و وضعیت کودکان خانواده نیز بهبود نیابد، سیستم درمان تغییر وضعیت پیدا می‌کند.

در فاز بعدی، فرایند ارائه‌ی درمان به مرحله‌ی بعدی خود یعنی کمک‌رسانی اجباری به خانواده وارد می‌شود. در این مقطع، درمان‌گر یا مددیار منتخب برای خانواده‌ی موردنظر به صورت اجباری و حتی علی‌رغم مخالفت خانواده، برای درمان و مدرسانی به خانه‌ی خانواده اعزام می‌شود. یعنی این که مدرسانی و درمان در محل اسکان خانواده صورت می‌گیرد. خود من در گذشته در چنین تیمی اشتغال به کار داشتم. در صورت بی‌نتیجه بودن این مرحله نامبرده است که معمولاً "حامیان قضائی کودک و خانواده" وارد میدان می‌شوند. در این فاز جدید حتی احتمال این وجود دارد که کودک یا نوجوان خانواده با حکم قضایی به یکی از مراکز نگهداری از کودکان بدسرپرست و یا نزد خانواده‌ی امین موقت که در واقع قیم موقت کودک یا نوجوان محسوب می‌شوند، منتقل گردد. این انتقال در صورتی موقت خواهد بود که شرایط و وضعیت خانواده بهبود یابد، اگر نه انتقال، طولانی‌مدت و گاهی دائمی می‌شود.

در این میان نقش و وظایف پرسنل تیم‌های بهداشت روان، بسیار سنگین و تعیین کننده می‌باشد و مددیاران و درمان‌گرانی که در این عرصه‌ها فعالیت دارند، خود تحت فشار روحی زیادی قرار می‌گیرند. آن‌ها باید تدبیر و دانش خود را عجين کرده و توان و

تخصص خود را در راه بهبود وضعیت خانوادگی دارای مشکل و اعضای آن به خصوص فرزندان خانواده به کار ببرند.

اغلب این خانواده‌ها خواهان کمک نیستند و نسبت به مشکلات‌شان نیز آگاهی ندارند. آن‌ها ورود درمان‌گر و حامی به فضای زندگی‌شان، به خصوص اگر به صورت اجباری از سمت دولت تعیین شده باشد، را نوعی حمله به خود و زیرسوال رفتن خود و شیوه‌های تربیت فرزندان‌شان قلمداد می‌کنند. آن‌ها این امر را حتی نوعی اعلام عدم سلامت‌شان و فضولی و دخالت در زندگی شخصی‌شان می‌بینند.

در این حین درمان‌گر یا حامی که در چشم ایشان نقش دخالت کننده و زیر سوال برنده‌ی توانمندی‌های خانواده و اعضای آن را دارد، باید چنان رفتار کند که کم‌کم یخ اعضای خانواده بشکند تا او را به حریم خانه و زندگی خود راه دهند. ضمناً حامی در این حین باید هم نقش دوست و هم نقش اعضای خانواده را بازی کند و هم نقش بیدارکننده، هشداردهنده و تهدیدکننده. تازه اگر خانواده این فرد را بپذیرد، در بسیاری موارد اعضای خانواده با یکدیگر وارد رقابت، ستیز، مسابقه و حسادت در جلب توجه حامی و کشیدن او به سمت خود و هواداری و محقق قلمداد کردن‌شان می‌شوند. در این جاست که باید درایت و خرد درمان‌گر و حامی با دانش و تخصص‌اش دست به دست هم دهند تا طرح درمان خوب پیش برود و اهداف درمانی به وقوع بپیوندند.

در اغلب نقاط جهان در سیستم‌های آکادمیک و دانشگاهی به خصوص در رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی شیوه‌ی آموزش و کسب دانش و حتی شیوه‌ی به کار بستن آن در کار عملی به شکل کلامی، نظری، حرف زدن و شنیدن است. انواع متدها و تکنیک‌های مورد استفاده در سیستم‌های کمک‌رسانی بهداشت روان نیز زبانی و کلامی هستند. به طور مثال، بخش زیادی از متدهای درمانی در علم روانشناسی به صورت زبانی و کلامی و درمان و حمایت مددجویان و مراجعین نیز تنها به شکل

تبادل کلامی و حرف‌زدنی است. هر چه زمان پیش می‌رود تفکر کل‌نگر، مبتنی بر یگانگی و وحدت میان جسم و ذهن و روان به گونه‌ای پنهان و ضمنی در آگاهی کل جهان و همین‌طور در سیستم تفکر علوم‌انسانی و سلامت روان و پارادایم حاکم بر آن در حال رسوخ کردن است.

من؛ مترجم این کتاب:

من از حدود سال ۱۹۹۶ میلادی (۱۳۷۴ شمسی) در حین و پس از تحصیل در رشته‌ی روانشناسی بالینی در کشور هلند با وادی "وحدت جسم و روح" یا به عبارتی "وحدت و یگانگی تن و روان" که برخلاف نظریه‌ی ثنویت یا دوگانگی و جدایی میان بدن و روان بود، آشنا شدم. این امر زمینه‌ساز ورود من به "آکادمی وحدت تن و روان" و متدهای روان‌درمان‌گری روان‌تنی شد. در آن زمان حتی در دنیای غرب نیز این اندیشه‌ها و متدها به رسمیت شناخته نمی‌شد و روان‌شناسانی نظیر من حتی توسط همکاران‌مان مورد تحقیر و تمسخر قرار می‌گرفتیم و به ما تذکر هم داده می‌شد. آشنایی و تجربه‌ی من با انواع مراقبه‌ها به خصوص مراقبه‌ی "ویپاسانا" و آموزش دیدن در یکی از آکادمی‌های یوگای هندوستان به عنوان مربی یوگا، باورم به وحدت تن و روان و این مساله که بهترین راه کمک‌درمانی به انسان الزاما زبان و کلام نیست را قوی‌تر کرد. در این میان از حدود ۱۵ الی ۲۰ سال قبل ورود "موج سوم رفتارگرایی" و مکاتب زیرمجموعه‌ی آن از جمله توجه "آگاهی (به‌شیاری یا مایندفولنس)^۱، دی.بی.تی^۲ و اکت"^۳ در عالم علم روانشناسی زلزله‌ای در دنیای

Mindfulness.

روش درمانی ترکیبی مشتمل بر متدها تغییر رفتار و استفاده از متدهای مختلف مراقبه‌ای در جهت رشد

روان‌درمانی‌های رایج ایجاد کرد، چرا که فاکتور اهمیت بدن و خلاقیت در درمان نیز وارد دنیای علم روان شد. در طی سالیان اخیر این نوع تفکر جای خود را در دنیای علم مدد‌رسانی چنان باز کرده که تاکنون تنها در ایران دو بار "کنگره‌ی بین‌المللی موج سوم رفتاری" در دانشگاه علوم پزشکی کاشان^۳ برگزار گردیده است. تا آن‌جا که اطلاع دارم از سال‌ها پیش یعنی از حدود سال‌های ۱۹۸۵ به بعد، موجی از تأسیس آکادمی‌های "خلاقیت‌درمانی و هنردرمانی" نیز که کار درمانی‌شان را با انواع سبک‌های هنری انجام می‌دادند در گوشه و کنار دنیا شروع شده است. در این میان می‌توان آکادمی نقاشی‌درمانی، تاتردرمانی و موسیقی‌درمانی را نام برد. در این حین انواع درمان‌های روان‌کنی و حرکت (روان) درمانی نیز با استفاده از انواع متدهای ترکیبی با ماساژ و حرکت نیز پدید آمده‌اند. قصه‌درمانی یا به عبارتی روایت‌درمانی نیز سال‌هاست که رواج یافته و جای خود را در میان متخصصین باز کرده است. از آن‌جایی که خود من نیز، تجربه‌ی کار در تیم‌های درمانی "کودک و خانواده‌ی در

احساس بودن در لحظه

^۱. D.B.T= Dialectic Behavior Therapy

رفتاردرمانی دیالکتیکی: شناسایی افکار ناسالم و تلاش تغییر آن‌ها. به‌خصوص روش درمانی مناسب در

افراد مشکوک به خودکشی

^۲. ACT= Acceptance and Commitment Therapy

درمان پذیرش و تعهد: مدتی مبتنی بر تشویق افراد برای دربرگرفتن اندیشه‌ها و احساسات خود به

جای جنگیدن با آن‌ها و احساس گناه داشتن به خاطر وجود آن‌ها.

^۳. من در کنگره‌ی دوم موج سوم رفتاری در دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۱۳۹۸، سخنرانی

تحت نام "مفاهیم کلیدی متد توجه آگاهی" برای شرکت‌کنندگان داشتم.

بحران" و همین‌طور کار در بخش‌های مشاوره و روان‌درمانی کودک، نوجوان، بزرگسال در ایران و هلند را دارم؛ سختی و معضلات این کار برایم آشناست. به همین دلیل کار بزرگی که فیروزه عزیز، انجام داده در نظرم ستودنی است.

فیروزه و متد نوین او:

هنوز تصویری از روزهایی پیش رویم هست که فیروزه دانشجوی رشته‌ی علوم تربیتی بود و در حال دست و پنجه نرم کردن با کتاب‌های درسی‌اش به زبان هلندی. گه‌گاهی نزد من می‌آمد تا در درک بهتر مطالب درسی‌اش کمک‌اش کنم. در آن زمان من دانشجوی سال بالاتر از او بودم. این که پس از گذر سال‌ها از آن زمان، این افتخار را دارم که کتاب و شرح متدی را که خود فیروزه بنیان‌گذاری کرده از زبان هلندی به فارسی برگردانده و به سمع و نظر هم‌زبانان برسانم، موجب مسرت من است.

فیروزه متد ابداعی خود و شیوه‌ی کاری‌اش را به این امید به زبان هلندی که زبان کاری او بود مکتوب کرد که دیگر درمان‌گران کودک و خانواده نیز از نعمت آن بهره‌مند شده و از آن برای کمک به هم‌نوعان استفاده کنند. خواسته‌ی بعدی او این بود که این متد به زبان مادری‌اش نیز ترجمه شود، تا در سرتاسر دنیا مورد استفاده‌ی فارسی‌زبانان به خصوص مددیاران و پرسنل فارسی زبان شاغل در بخشی بهداشت روان نیز برسد. باشد که بدین‌وسیله توانسته باشم دوش به دوش فیروزه کمک و پیام‌رسان قابلی باشم برای رساندن پیام آگاهی‌ای نوین به جهان و جهانیان...

فیروزه با کمک گرفتن از پیشینه‌ی فرهنگی‌اش و توجه نمودن به احساسات و معضلات خودش، نه تنها در جایگاه یک درمان‌گر و مددیار بهداشت روان که در دنیای غرب آموزش دیده، بلکه به عنوان یک زن مهاجر و خارجی، سرد و گرم روزگار چشیده از عالم شرق و ساکن در غرب توانسته پلی ایجاد کند. او سبک نوینی از ارتباط

برقرار کردن با مردمان از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف را طی تجاربش در جایگاه حساس شغلی‌اش به عنوان حامی قضایی کودک و نوجوان ابداع کرده که در آن در این دنیای مدرن چند فرهنگی طوری به احساسات، شرایط و پیشینه‌های افراد توجه و احترام گذاشته می‌شود که در آن افراد به جای قضاوت و نتیجه‌گیری آکادمیک و کلیشه‌ای، واقعا مورد توجه قرار گرفته و درک می‌شوند. بخش اعظم مراجعین ما و تیم فیروزه را خانواده‌هایی از طبقات نسبتا پایین فرهنگی، اجتماعی، تحصیلی و اقتصادی دربرمی‌گیرند و بسیاری از آن‌ها نیز مهاجر و پناهنده و گریخته از شرایط زندگی‌شان از کشورهای در بحران بوده و علاوه بر مشکلات دیگرشان، با معضلات غربت و مهاجرت و ناآشنایی به زبان کشور مقصد و تفاوت‌های فرهنگی و... دست و پنجه نرم می‌کنند.

بنابراین درک شرایط آن‌ها، همدلی با آن‌ها و یافتن طریقه‌ی درست کمک به آن‌ها واجد اهمیت بسیار است. در متدی که فیروزه ابداع کرده است، تلاش می‌شود تا با استفاده از کارکردهای مختلف ذهن و جسم انسان، ارتباط موثری با مراجعان در جهت افزایش بینش و آگاهی‌شان به مسائل زندگی شخصی خود از طریق نمادها، تصاویر، تجسم، تداعی، مقایسه، تشبیه، داستان‌گویی، گفتگو و... ایجاد شود. امیدوارم فیروزه در راهی که در پیش گرفته، با خلاقیت‌های بی‌نظیرش به دستاوردهای باز هم نیکوتری برسد.

و اما این کتاب:

لازم به ذکر است که در کتاب فوق واژه‌ی مددجو، درمان‌جو و مراجع، به صورت مترادف مورد استفاده قرار گرفته و اشاره به فردی دارند که مورد حمایت و درمان مددیاران و درمان‌گران بخش بهداشت روان قرار می‌گیرد. واژه‌های مراقب، درمان‌گر،

مددیاری، مددکار و مدرسان نیز طیف وسیع پرسنل بهداشت روان را شامل می‌شود. تقریباً کلیه‌ی زیرنویس‌های مشروح کتاب توسط اینجانب، مترجم و ویراستار کتاب جهت روشن شدن بهتر مطلب، نوشته و گردآوری شده‌اند. من به عنوان همکار فیروزه و در جایگاه روان‌شناس و البته مترجم و ویراستار کتاب، با اجازه‌ی فیروزه‌ی عزیز، گاهی پا را از نقش مترجمی فراتر گذاشته و جهت روشن‌تر شدن مطالب در متن اصلی کمی دست برده و تغییرات و اضافه و کاستی‌هایی در متن فارسی کتاب داده‌ام. فیروزه نیز در چند نقطه مطالبی را که اندکی با کتاب اصلی هلندی متفاوت است اضافه و کم نموده است.

امیدوارم توانسته باشم در حد بضاعت، در رساندن پیام آگاهی نوین فیروزه به گوش هم‌زبانان و به خصوص همکاران مفید واقع شوم. لطفاً کاستی‌ها و نواقص احتمالی در متن را با دیده‌ی اغماض بنگرید و در صورت نیاز آن‌ها را در راستای بهبود و بهینه‌سازی کتاب، با ما در میان بگذارید.

روانشناس بالینی و روان درمان‌گر روان تنی از هلند

مربی و متخصص یوگا از هندوستان

مترجم سازمان مترجمان هلند شمالی و ویراستار

Parivash۴۶@yahoo.com